



فلسفه ورزشی بکارگیری هرچه بیشتر و بهتر عقل است/ اعلام بی نیازی به وحی محبوس ماندن در چاه مادیت است

یک عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: فیلسوف راستین در هر حوزه ای با عقلانیت مواجه می شود، درباره هر موضوعی بطور مستقل می اندیشد و تفکر مستقل و اجتهادی و روشمند دارد.

یک عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) گفت: فیلسوف راستین در هر حوزه ای با عقلانیت مواجه می شود، درباره هر موضوعی بطور مستقل می اندیشد و تفکر مستقل و اجتهادی و روشمند دارد.

دکتر محمد فنایی اشکوری در مورد تفاوت فلسفه ورزشی با فلسفه خوانی به خبرنگار مهر گفت: بنده در گفتگویی بین "فلسفه آموزی"، "فلسفه پژوهی" و "فلسفه ورزشی" فرق گذاشتم. فلسفه آموزی، مثل آموزش هر علم دیگری آشنائی با موضوعات، مفاهیم، مسائل و نظریات فلاسفه است که در متون درسی آمده و تدریس می شود. بی شک نخستین گام در فلسفه، آموزش فلسفه است. دانشجو، استاد و متن سه ضلع ضروری در فلسفه آموزی است. آموزش فلسفه گرچه آسان نیست و برای تحصیل آن لازم است مدت زمان قابل توجهی را صرف کرد، اما نباید هدف نهائی باشد و قسمت اعظم عمر یک فرد را به خود اختصاص دهد.

وی افزود: مرحله بعد از فلسفه آموزی، فلسفه پژوهی است. در فلسفه پژوهشی پژوهشگر که با مباحث فلسفی آشناست، از متون درسی فراتر می رود و می کوشد با تحقیق مشارکتی در پیشبرد این دانش داشته باشد. مثلاً گزارش و تحلیل دیدگاه یک فیلسوف یا مکتب فلسفی، تحقیق پیرامون پیشینه و سیر تاریخی و گردآوری آراء درباره یک موضوع و احیاناً مقایسه آنها از مصادیق فلسفه پژوهی است. مرحله نهائی، فلسفه ورزشی است که در آن محقق متضلع در اضلاع گوناگون فلسفه بصورت اجتهادی می کوشد سرزمین های جدیدی را در جغرافیای فلسفه در نوردد و افق های تازه ای را بگشاید و گرهی را باز کند. فیلسوف کسی است که به فلسفه ورزشی می پردازد. فلسفه ورزش یا فیلسوف در حوزه مطالعاتی خود صاحب نظر است و دستی در نوآوری دارد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه داد: مراد از فلسفه آموزی یا فلسفه خوانی روشن است. بعنوان مصداقی برای فلسفه پژوهی می توان گفت که معمولاً انتظار می رود پایان نامه کارشناسی ارشد از سنخ فلسفه پژوهی باشد. فلسفه پژوه خود کار پژوهش را به پیش می برد، اما با این حال نیازمند به هدایت استاد راهنما است. پایان نامه دوره دکتری در برخی بین فلسفه پژوهشی و فلسفه ورزشی باید باشد؛ به این معنا که باید از جهت فلسفه پژوهشی در حد عالی و از جهت فلسفه ورزشی در حد قابل قبولی باشد. پایان نامه دکتری باید حاوی مشارکتی مؤثر و نوآوری قابل ذکر در موضوع تحقیق باشد. در اینجا نیز به راهنمایی و مشاوره استاد خبره نیاز است.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه تصریح کرد: این مراحل گرچه یکی پس از دیگری است، اما در همان دوره فلسفه آموزی باید پایه فلسفه پژوهشی و فلسفه ورزشی ریخته شود. باید پژوهش و تفکر اجتهادی در ضمن آموزش تمرین شود. متأسفانه به جهت فقدان برنامه ریزی کارآمد و نبود نقشه راه روشن در این رشته، بسیاری از کسانی که عمری را در اشتغال به فلسفه سپری می کنند، نه به مرحله فلسفه پژوهی می رسند و نه فلسفه ورزشی؛ بلکه به "فلسفه اندوزی" می پردازند و آن را به اشتباه فیلسوفی می پندارند. از عجایب این است که بسیاری در فلسفه که عرصه تفکر مستقل و اجتهاد است گرفتار تقلیدند. فیلسوف راستین در هر حوزه ای با عقلانیت مواجه می شود، و درباره هر موضوعی بطور مستقل می اندیشد. فیلسوف فلسفه ورزشی می کند و تفکر مستقل و اجتهادی و روشمند دارد.

نکته آخری که باید توجه داشت این است که این هر سه (یعنی فلسفه آموز، فلسفه پژوه و فیلسوف) با "متفلسف" فرق دارند. متفلسف شبه فیلسوف، فیلسوف نما یا فیلسوف دروغین است. فیلسوف نیست، اما ادای فیلسوف را در می آورد. نه فلسفه آموزی درستی کرده، نه فلسفه پژوهی مناسبی. گاهی با ارائه نظریات بی پایه و سست و گاهی با سرقت نظریات دیگران می کوشد خود را مبتکر و نوآور نشان دهد. متفلسف از حکمت بی بهره است. او بجای فلسفه ورزشی سفسطه و بجای برهان مغالطه می کند؛ خود گمراه می شود و دیگران را به گمراهی می کشد.

این نویسنده و مترجم در مورد اینکه کدامیک از اینها در جامعه ما رواج دارد هم عنوان کرد: ما هم به فلسفه آموزی، هم فلسفه پژوهی و هم فلسفه ورزشی نیاز داریم. فلسفه ورزشی مترتب بر فلسفه پژوهی و فلسفه آموزی است. فلسفه آموزی ضروری است، اما نباید در آن متوقف شد و از آن باید گذر کرد. نکته مهم این است که در فلسفه آموزی باید درجاتی از ملکه فلسفه ورزشی را تحصیل کرد. توجه به این امر در آموزش فلسفه اهمیت دارد. هدف باید پرورش عقلانیت و خردورزی باشد، نه انباشتن محفوظات. از همه فلسفه آموزان نمی توان انتظار داشت فیلسوف بشوند، اما باید بتوانند به درجه ای از خردورزی و قدرت تجزیه و تحلیل برسند که به آسانی فریب متفلسفان را نخورند. طبیعتاً در هر جامعه ای شمار فیلسوفان بسی کمتر از فلسفه آموزان و حتی فلسفه پژوهان است.

فنایی درمورد اینکه رواج فلسفه ورزشی چه تأثیری بر نوع نگرش ما به جهان خواهد داشت هم بیان کرد: فلسفه ورزشی یعنی

بکارگیری هرچه بیشتر و بهتر عقل و خرد. بی شک تعقل نقش اساسی در نحوه تصویری که ما از جهان داریم خواهد داشت. حکما در تعریف فلسفه گفته اند: هی العلم بحقایق الأشياء کماهی علیها بقدر طاقة البشرية. فلسفه کوشش عقلی بشر برای هرچه بهتر فهمیدن هستی است. هر قدر در تعقلمان ضوابط عقلی را بیشتر رعایت کنیم و از افتادن در مغالطه ها و خطاها بپرهیزیم تصویر درست تری از واقع و نگرش بهتری به هستی و حیات خواهیم داشت. در اینجا باید تأکید کرد که فلسفه تنها راه فهم واقع نیست و عقل بشری به تنهایی برای شناخت جهان کافی نیست. برای شناخت هستی و حیات در کنار عقل ما به نور هدایت وحی نیز شدیداً نیازمندیم، چنانکه برای شناخت طبیعت به حواس و تجربه نیز محتاجیم. خطای فلسفه ماتریالیستی این است که به فلسفه ورزی محض بسنده و از وحی اعلام بی نیازی می کند که نتیجه اش محبوس ماندن در چاه مادیت است.